

## هنر تجسمی ایران و مناطق شمال غربی شبه قاره هند (پاکستان کنونی)

✍ مسعود الحسن کهو کهر\*

ترجمه دکتر علی محمد طرفداری

ایران و پاکستان از نظر فرهنگی از دوران باستان با یکدیگر پیوستگی دارند. پیوند این دو کشور برادر، از دوران پیش از تاریخ، از طریق آثار مکشوفه باستان‌شناختی در هر دو کشور به اثبات می‌رسد.

مسیر این ارتباطات از طریق بلوچستان بوده که از دوران پیش از تاریخ تا ادوار اخیر همواره پابرجا مانده است. بین قرون یازدهم و دوازدهم [میلادی] ساکنان بلوچستان ایران تحت فشار سلجوقیان به سوی شرق و به کرمان مهاجرت کردند. آن‌ها در نتیجه حمله‌ی مغول در قرن چهاردهم میلادی و در خلال دوره‌ی تیمور در سراسر مکران، سیستان و سند پراکنده شدند. مدارک زبان‌شناختی محکمی درباره‌ی وجود پیوندهای تاریخی بین بلوچستان و مردم کویر مرکزی [ایران] وجود دارد.

طی دوره‌ی مغول، ارتباطات بین دو این کشور نه تنها فرهنگی، بل سیاسی نیز بود. مهاجرت‌ها و روابط دوستانه‌ی آن‌ها اندیشه‌های هنری‌ای را پدید آورد که به وسیله‌ی هنرمندانی چیره دست در نقاشی، پارچه‌بافی، سفالگری و تزئین نه فقط ساختمان‌ها، بل که مقابر گورستان‌ها هم به کار رفته است. این‌ها موضوع بحث من هستند. این سنگ مزارها در گورستان‌های ایران و پاکستان یافت شده‌اند.

سیرجان مارشال درباره‌ی این مزارها چنین می‌نویسد: «شاید همسایگی نزدیک ایران در سمت غرب این نظریه را تصدیق کند که این گورهای سنگی بقایای کهن آرامگاه‌های ساختمانی اولیه‌ی ایرانی نظیر آرامگاه مشهور دشت مرغاب [در فارس]

---

\* سرپرست موزه‌ی قلعه‌ی قدیمی، بخش باستان‌شناسی، لاهور

که به عنوان قبر کوروش، پسر کمبوجیه، شناخته شده است، هستند، یا ممکن است به وسیله مهاجران ایران، یعنی سرزمینی که نمونه‌های متعددی از این ساختمان‌های مشابه را می‌توان یافت، رواج یافته باشند.»

در ایران، گورستانی در گوسینگ سیستان وجود دارد. این گورستان با آجرهای سوخته ساخته شده است و بسیاری از قبرها دارای نقوش تصویری هستند. چندین ردیف کاشی که روی آن‌ها اشکال مردانی سوار بر شتر و اسب مسلح به شمشیر و کمان، ترسیم شده است، در نقش برجسته‌های کوتاه دیده می‌شوند. چنین مضامین تجسمی‌ای در لرستان که یک جایگاه کهن فرهنگ ایرانی است نیز به چشم می‌خورند. سنت حک کردن نقوش پرندگان و سلاح‌ها حتی تا دوره اسلامی هم ادامه داشته است.

در هر نقطه‌ای که سنت‌های محلی اجازه می‌داد، همچون منطقه‌ی علی‌دایه مقابر ویژگی‌های به خصوصی را در خود حفظ کردند. سنگ قبرهای عمودی در بالای قبر، روبه مکه، اغلب به صورت سنگ‌های بلند، دراز و تخت، و گاهی اوقات نیز به شکل تخته سنگ‌های کوتاه یافت می‌شوند. در شکل اصلی این دو نوع سنگ‌های عمودی، انتهای سنگ در بالا قله مانند است و قاعده‌ی آن رو به زمین به تدریج باریک می‌شود. این سنگ قبرها با نقوشی بر روی قسمت جلو تزئین می‌شوند. تصویر غالب، نقش مرد اسب سواری است نشسته بر روی یک زین چوبی با یک نیزه، خنجر و سپری کوچک و گرد آویخته بر شانه‌اش. اما تأثیر دوران جدید با ترسیم نقش تفنگ‌هایی که خود قهرمان یا ملازمانش حمل می‌کنند بر روی سنگ قبر، آشکار می‌شود. البته تصویر یک شهسوار کمابیش مربوط به رئیس قدرتمند ایل است که با نقش سربندهایی متنوع، معمولاً در قسمت پایینی این تصویر، آن جا مدفون شده است.

قبرهای تزئین شده با مضامین تصویری به طور گسترده‌ای در پاکستان پراکنده‌اند. این قبرها بیش‌تر هرمی شکل‌اند، و به نام قبرهای «چو‌خندی» شناخته می‌شوند که در هینیدان در بلوچستان جنوبی، و لندهی نزدیک کراچی واقع شدند. انواع مشابهی از این قبرها در تپه‌ی ملکی و قسمت‌های مختلف منطقه‌ی تاتا در جاراک، سوندا، جنگ‌شی، جاج‌جو، پیر پاتو و گوت راج ملک یافت می‌شوند. افزون بر این وجود چنین مقابری در پادگان مالیر معروف به گورستان بلوچ، منگوپیر، داملوتی و سون‌میانی نیز گزارش شده است. هینیدان جایی در کرانه‌ی شرقی رود هاب و در جنوب درست در مسیر جاده‌ی کراچی به دورجی، در حدود ۷۳ مایلی کراچی است. در آن جا چند صد قبر عادی و ۶۷ تخت سنگ ماسه‌ای وجود دارد. تخته سنگ‌های استفاده شده در این منطقه مستطیلی شکل و به زیبایی با گل و سبزه، طرح‌های هندسی همراه با نقوش تصویری تزئین شدند.

نقوش تصویری نه تنها در جلوی تخته سنگ‌ها، بل‌که در سمت شرقی آن‌ها نیز به چشم می‌خورد. بر روی تخت سنگ یک مقبره، متشکل از دو گور سنگی واقع در گوشه‌ی شمال غربی گورستان، تصاویر یک اسب سوار با نیزه‌ای بر شانه‌اش و شمشیر و سپری آویخته بر کنار اسب نقش شده است. در قسمت شمالی گورستان یک قبر نیمه ویران متشکل از سه گور سنگی وجود دارد. قاب بالای دو تای آن‌ها تصویر اسب سواری را نشان می‌دهد که دهنه‌ی اسب را با دست چپ گرفته و سپری را بر کنار اسب آویخته است.

گروه بزرگ‌تر چنین قبرهایی در پاکستان در نزدیکی کراچی قرار دارند. این قبرها در ۱۸ مایلی راه قدیم کراچی - حیدرآباد، در نیم کیلومتری سمت چپ جاده واقع شدند. ۳۰۰ قبر مساحتی در حدود یک مایل را می‌پوشانند. شکل هرمی این قبرها

دقیقاً نظیر مقابر منطقه‌ی هینیدان است. در این جا نیز تخته سنگ‌های ماسه‌ای به شکل ایستاده به کار رفته‌اند.

ملموس‌ترین مشخصه‌ی این قبرها حکاکی‌ها و مضامین تجسمی آن‌هاست. در میان طرح‌های تجسمی مقابر منطقه‌ی چوخندی، نقش یک اسب‌سوار معمولاً بالای تخته سنگ قبر تکرار می‌شود. سوارکار یک ردای بلند پوشیده و سرپوش بر سر دارد. سوارکار به وسیله‌ی یک مرد پیاده دارای تفنگ سرپُر هدایت می‌شود و خود به یک نیزه، سپر، شمشیر، تیردان و ... مجهز است.

نقش اسب به عنوان سمبل بزرگی، و مرد پیاده در جلوی سوار کار، به ما می‌گویند که مرد به خاک سپرده شده مقام بالایی در جامعه‌ی خود داشته است. به نظر می‌رسد که این قبرها در ایران و پاکستان مربوط به دوران باستان هستند، اما با بررسی دقیق‌تر بر روی کتیبه‌های یافت شده در مقابر علی‌دایه در ایران، و منگوپیر و چوخندی در سند، می‌توان احتمال داد که آن‌ها متعلق به قرن دوازدهم هجری قمری / هیجدهم میلادی باشند.

بر روی پنج قبر از مقابر علی‌دایه، یک اترافگاه زمستانی اولادقباد و ناحیه‌ی شمال غرب کوه‌دشت، تاریخ‌های ۱۸۵۸/۱۲۷۵، ۱۷۸۷/۱۲۰۲، ۱۸۸۵/۱۳۰۳ و ۱۱۱۵ ق / ۱۷۰۳ م نقش شده است. در میان مقابر منگوپیر (ماگاروپیر) یکی از قبرها در حدود اواسط سده‌ی هیجدهم میلادی تاریخ‌گذاری شده است. تاریخ‌های دقیق سال‌های ۱۷۴۴/۱۱۵۷ و ۱۱۷۱ ق / ۱۷۵۷ م هستند.

در قبور منطقه‌ی چوخندی فقط قبر یعقوب علی‌خان پسر چاکر دارای تاریخ ۱۱۶۹ ق / ۱۷۵۵ م است. ویژگی متمایز کننده‌ی مضامین تجسمی به کار رفته در قبور ایران و پاکستان بدون استثنا نشان می‌دهد که سازندگان این مقابر جنگجویان ایلات مبارز ایران و پاکستان بوده‌اند. این ایلات احتمالاً عشایری بودند که دائماً از

جایی به جای دیگر در ایران و پاکستان در جست‌وجوی معاش خود و رمه‌های‌شان  
کوچ می‌کردند.

